



## هشدار انتظامی: تفهیم اتهام به متهم بدون تفهیم دلایل اتهام تخلف است

پدیدآورنده (ها) : فلاح

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد و تیر ۱۳۸۵ - شماره ۳۸

صفحات : از ۸ تا ۱۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334346>

تاریخ داندود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- هشدار انتظامی: دستور بازرسی از مخفیگاه به طور شبانه روزی و بدون مدت تخلف است
- هشدار انتظامی: صدور حکم به ابطال اجراییه که بر مبنای سازش نامه صادر شده، تخلف است
- هشدار انتظامی: احضار و تفهیم اتهام و اخذ تأمین بدون وجود دلیل
- هشدار انتظامی: استناد به قانون دلالت با وجود قانون تعزیرات حکومتی تخلف انتظامی است
- هشدار انتظامی: معرفی متهم به اداره آگاهی به جای معرفی به زندان!
- هشدار انتظامی: دادگاه صرفاً مجاز به دستور توقف عملیات متجاوز است، نه رفع تصرف (تبصره یک ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی)
- هشدار انتظامی: دعوت های مکرر و غیر ضروری شاکی تخلف انتظامی است
- هشدار انتظامی: توبیخ کتبی با درج در پرونده خدمتی قاضی، به خاطر عزل تولیت بدون استناد به قانون و رسیدگی بدون داشتن صلاحیت ذاتی
- هشدار انتظامی: دستور منع خروج از کشور در پرونده مدنی تخلف انتظامی است
- هشدار انتظامی: نظر دیوان عالی کشور در امر صلاحیت برای دادگاه تجدید نظر استان لازم الاتباع است

# تفہیم اتہام بہ متہم بدون تفہیم دلایل اتہام تخلف است

با همکاری آقای فلاح، حوزه ریاست دادگستری استان تهران

دادنامه شماره ۴۱۱-۸۴/۹/۲۱- شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات:

■ تفہیم اتہام (کلاہ برداری) بہ متہم بدون تفہیم دلایل اتہام تخلف است.

جریان امر: آقای . . . دادیار انتظامی با ملاحظہ پروندہ موضوع شکایت انتظامی با درج ماحصل آن اظہار نظر نمودہ اند کہ آقای . . . بازپرس شعبہ . . . ناحیہ . . . دادرسی عمومی و انقلاب تہران بہ شرح

تقاضای مجازات انتظامی قاضی نام برده باستناد مادہ ۲۰ نظام نامہ راجع بہ تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات گردیدہ است .

پس از ابلاغ کیفرخواست بہ قاضی موصوف از سوی ایشان لایحہ دفاعیہ ای واصل شدہ کہ هنگام شور قرائت خواہد شد . اینک شعبہ . . . دادگاہ عالی انتظامی قضات فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش امر و لایحہ دفاعیہ با کسب عقیدہ

تخلفی احراز نگردید . این رأی قطعی است .

دادنامہ شماره ۵۰۶-۸۴/۱۱/۲۴- شعبہ . . . دادگاہ عالی انتظامی قضات:

■ صدور قرار رد دادخواست تجدیدنظر یکی از محکوم علیہم بہ این علت کہ سایر محکومان نسبت بہ رفع نقص دادخواست مرقوم اقدام نکرده اند و . . . تخلف است .

گردش کار: دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواست شماره . . . صادرہ در پروندہ کلاسہ انتظامی بر اساس نظریہ آقای . . . دادیار کہ بہ تأیید آقای . . . معاون آن دادرسی رسیدہ، آقای . . . رییس شعبہ . . . دادگاہ عمومی تہران را در رسیدگی بہ پروندہ کلاسہ . . . متخلف اعلام و بہ استناد مادہ ۱۴ و قسمت دوم مادہ ۲۰ نظام نامہ مجازات انتظامی او را تقاضا کردہ است .

آقای . . . دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پروندہ چنین اظہار نظر کردہ است:

۱- با توجہ بہ این کہ «ش. ف» یکی از محکومان در تاریخ ۸۰/۸/۲۰ با ذکر اسامی سایر محکومان در ردیف مشخصات تجدیدنظر خواهان از دادنامہ های شماره ۸۹-۸۰/۲/۱۷ و اصلاحی ۸۰/۷/۲۲ تجدیدنظر خواهی کردہ است رییس دادگاہ بدون توجہ بہ این کہ دادخواست تجدیدنظر توسط یکی از محکومان امضاء شدہ، پروندہ را جہت رسیدگی بہ اعتراض تمام آنان بہ دادگاہ تجدیدنظر ارسال و ۱/۵ سال بعد از ابلاغ اخطاریہ رفع نقص مورخ (۸۰/۱۱/۱۷) بہ موجب دادنامہ شماره ۱۴۱-۸۲/۴/۲۸ قرار رد تجدیدنظر خواهی صادر کردہ است و مرتکب مسامحہ در انجام وظیفہ موضوع تبصرہ های ۱ و ۲ مادہ ۳۳۹ ناظر بہ مواد ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی شدہ است .

۲- قطع نظر از این کہ ابضاء نکردن دادخواست تجدیدنظر توسط ۲ نفر از تجدیدنظرخواہ ہا مطابق مواد ۳۴۳ تا ۳۴۱ قانون مرقوم نقص دادخواست تجدیدنظر خواهی تلقی نمی شود و اقدام دادگاہ از این حیث محمول بر نظر قضایی است اما با توجہ بہ این کہ دادخواست مذکور نسبت بہ «ش. ف» فاقد نقص بودہ، قرار تجدیدنظر خواهی صادرہ از سوی رییس دادگاہ بہ موجب دادنامہ شماره ۱۴۱-۸۲/۴/۲۸ بر خلاف تبصرہ ۲ مادہ ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی است .



معاون محترم دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنہ مورد تقاضاست) و انجام مشاورہ بہ شرح آتی رأی صادر می کند:

تفہیم اتہام کلاہ برداری بہ متہم پروندہ امر بدون تفہیم دلایل این اتہام بہ او بہ ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست تخلف است و دفاع وی در این زمینہ مؤثر نیست .

بنابہ مراتب آقای . . . بازپرس ناحیہ . . . دادرسی عمومی و انقلاب تہران را بابت تخلف مزبور باستناد صدر مادہ ۲۰ نظام نامہ راجع بہ تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات بہ کسر یک دہم حقوق ماہیانہ بہ مدت چہار ماہ محکوم می کند .

نسبت بہ سایر موارد با توجہ بہ دفاع بہ عمل آمدہ

زیر مرتکب تخلف انتظامی گردیدہ است: آقای بازپرس بعد از حضور متہم بہ نام س.س بر خلاف مادہ ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاہ های عمومی و انقلاب در امور کیفری صرفاً موضوع اتہامش دایر بر کلاہ برداری را بوی تفہیم و دلایل اتہام بررسی و جمع آوری و تفہیم نشده است و تأمین کفالت اخذ شدہ از وی قبل از بررسی دلایل و اسباب اتہام بر خلاف مادہ ۱۳۴ قانون مذکور صورت گرفته است . ضمناً در فاصلہ ۲۴ ساعت بین صدور قرار تأمین کفالت (۸۴/۲/۴) و صدور قرار قبولی کفالت از متہم (۸۴/۲/۵) وضعیت متہم از لحاظ چہ گونگی آزادی نامشخص است و مغایر با مادہ ۱۳۸ و تبصرہ مادہ ۱۳۲ قانون موصوف عمل شدہ است .

با نظریہ آقای دادیار انتظامی موافقت شدہ در نتیجہ بہ شرح کیفرخواست انتظامی شماره . . .

پرونده به این شعبه و ابلاغ کیفرخواست به نام‌برندگان لایحه‌ای از طرف آقای . . . واصل شده است ولی آقای . . . دفاعی به عمل نیاورده است. آقای . . . در لایحه خود اقدام خویش را مستنبط از همان قانون که عبارت چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر در آن قید شده اعلام و برائت را خواستار شده است.

اینک شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات فوق تشکیل است که پس از قرائت گزارش و لایحه دفاعیه و کسب نظر معاون دادرسی انتظامی قضات، اجمالاً مبنی بر: «انخاذ تصمیم شایسته و قانونی . . . مشاوره کرده و چنین رأی می‌دهد:

رأی دادگاه:  
مراد از جمله «هر نوع سلاح دیگر» در قانون لغو مجازات شلاق (با توجه به ذکر چاقو) سلاحی است که مشابه چاقو باشد و شامل بیل و چوب و امثال آن نمی‌گردد بنابراین صدور قرار بازداشت موقت برای متهمی که ایراد ضرب به غیر چاقو و شبیه آن کرده است توسط آقای . . . دادرسی علی‌البدل

و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ قانون تشکیل دادگستری مبنی بر: (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌کند:

رأی دادگاه:  
صدور قرار رد درخواست تجدیدنظر یکی از محکوم علیهم به این علت که سایر محکومان نسبت به رفع نقض دادخواست مرقوم اقدام نکرده‌اند آن هم ۱/۵ سال پس از ابلاغ اخطاریه رفع نقص، فاقد مجوز قانونی است. همچنین صدور اجراییه در خصوص حکم تخلیه مورد اجاره با وجود تودیع نشدن حق کسب و پیشه توسط محکوم لهم ظرف مهلت مقرر در ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ تخلف است و دفاع رییس دادگاه مشتکی عنه موثر تشخیص داده نشد.  
بنا به مراتب آقای . . . رییس شعبه . . . دادگاه عمومی تهران را با انطباق عملش بر صدر ماده ۲۰

۳- با توجه به این که دادنامه شماره ۸۹-۱۷/۲/۸۰ مبنی بر بر سه حکم مجزای تخلیه، تعدیل اجاره بها و مطالبه مابه‌التفاوت افزایش اجاره بها بوده است. اصلاح حکم از حیث مبلغ تعدیل مابه‌التفاوت افزایش اجاره بها به استناد قسمت آخر ماده ۳۰۹ قانون مذکور مبنی بر این که «حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت اجرایی می‌شود» تأثیری در حکم تخلیه که قطعی شده و مطابق ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ بعلت انقضای سه ماه از تاریخ آن ملغی الاثر نمی‌شود. بنابراین چون رییس دادگاه بدون توجه به این امر مبادرت به صدور اجراییه نمود مرتکب تخلف از قانون شده است.

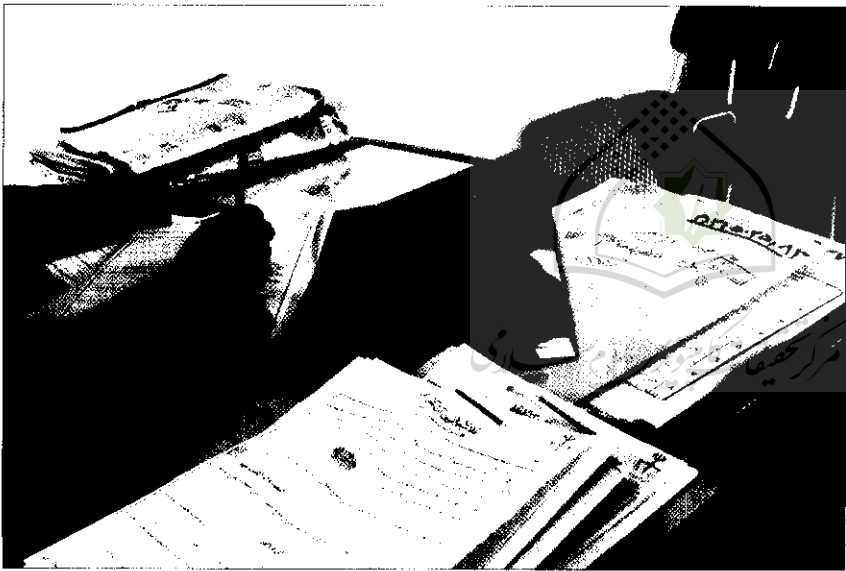
۴- بر فرض صحت اجراییه با توجه به این که وکیل محکوم لهم در تاریخ ۸۲/۹/۶ به موجب قبض شماره ۸۰۳۲ مبلغ ۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان مبلغ حق کسب و پیشه مندرج در حکم به حساب سپرده دادگستری واریز کرده است ذکر این جمله در اجراییه «محکوم لهم مکلفند در تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه کسب و پیشه را در صندوق دادگستری واریز کنند والا حکم ملغی الاثر می‌شود» از دو حیث قابل تأمل است.

اول، توجه نکردن رییس دادگاه به قانون. زیرا مطابق ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر صدور اجراییه تخلیه منوط به تودیع حق کسب و پیشه ظرف سه ماه از تاریخ قطعیت حکم است.  
دوم، سهل‌انگاری قاضی در انجام وظیفه، زیرا قاضی قبل از صدور اجراییه و امضای آن می‌بایست به محتویات پرونده از جمله قبض پرداخت حق کسب و پیشه توجه و از ذکر جمله یاد شده در اجراییه پرهیز می‌کرد.

۵- رد درخواست ابطال اجراییه در تاریخ‌های ۸۲/۹/۶ و ۸۳/۲/۲۱ و ۸۳/۴/۹ توسط رییس دادگاه بر خلاف ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی است زیرا دادنامه شماره ۹۸-۸۰/۲/۱۷-۸۰ در تاریخ ۸۰/۳/۱۶ ابلاغ و به لحاظ اعتراض نکردن اصحاب دعوا، در تاریخ ۸۰/۴/۶ قطعیت یافته است و تودیع نشدن حق کسب و پیشه توسط موجران تا تاریخ ۸۰/۷/۳ موجب ملغی الاثر شدن حکم دادگاه نسبت به امر تخلیه شده است و چون اصلاح دادنامه پیش گفته در تاریخ ۸۰/۷/۲۲ از حیث رقم تعدیل مطالبه و افزایش اجاره بها، موجب احیای حکم ملغی الاثر شده نمی‌شود، بنابراین رییس دادگاه مکلف بوده در اجرای قسمت اخیر ماده ۳۰۹ مذکور و ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی نسبت به ابطال اجراییه اقدام کند.

با ابلاغ کیفرخواست لایحه دفاعیه قاضی مشتکی عنه واصل شده که هنگام شور قرائت می‌شود.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله



دادگستری . . . و نیز موافقت با قرار مزبور توسط آقای . . . رییس دادگستری . . . مناسب نبوده است، فلذا با استناد به ماده استنادی در کیفرخواست (صدر ماده ۲۰ نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تصصیرات انتظامی قضات) هر یک به کسر یک‌دهم حقوق برای مدت دو ماه محکوم می‌گردند. این رأی قطعی است.

دادنامه شماره ۴۹۲-۸۴/۱۱/۱۰ شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات:

**تجدید جلسه دادرسی بدون ذکر جهت قانونی تخلف است.**

خلاصه جریان پرونده: آقای . . . دادیار دادرسی انتظامی قضات پس از گزارش جریان امر اظهار نظر کرده‌اند: با عنایت به این که جلسه دادرسی مورخه ۸۲/۹/۱۹ بدون هرگونه دستوری از قبل

نظامنامه راجع به تشخیص انواع تصصیرات قضات به کسر یک پنجم حقوق ماهیانه به مدت چهار ماه محکوم می‌کند. رأی قطعی است.

دادنامه شماره ۴۳۲ و ۴۳۱-۸۴/۷/۱۲ شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات:

**محکومیت انتظامی به لحاظ اخذ تأمین کیفری نامناسب.**

دادرسی محترم انتظامی قضات آقای . . . دادرسی علی‌البدل دادگستری را که در پرونده . . . در خصوص ایراد ضرب به غیر چاقو برای متهم به استناد قانون لغو مجازات شلاق قرار بازداشت موقت صادر کرده و همچنین آقای . . . رییس دادگستری را که با قرار مزبور موافقت کرده است متخلف تشخیص و طی کیفرخواست‌های مزبور مجازات انتظامی آنان را تقاضا کرده است. با ارجاع

تشکیل و در پایان جلسه نیز هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نگردیده است بلکه در تاریخ ۸۲/۱۰/۱۶ قرار شنیدن شهادت گواهان صادر شده است، از طرفی تجدید جلسه دادرسی ۸۳/۱۱/۶ به این بهانه که قرار بوده با حضور وکلای طرفین از کارشناسان توضیح خواسته شود، فاقد دلایل قانونی و تخلف از ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی است که در آن مقرر شده، در پایان هر جلسه دادرسی چنانچه به جهات قانونی جلسه دیگری لازم باشد علت مزبور زیر صورت جلسه قید می شود و روز و ساعت جلسه بعد تعیین و به اصحاب دعوی ابلاغ می گردد.

با نظریه فوق موافقت شده است و در نتیجه به شرح کیفرخواست انتظامی فوق الذکر تقاضای مجازات انتظامی آقای... رییس شعبه... دادگاه عمومی تهران مطابق صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع

ماده نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر یک دهم حقوق ماهیانه به مدت دو ماه محکوم می کند. نسبت به سایر موارد با توجه به مدافعات قاضی موصوف و مستندات ارائه شده تخلفی احراز نگردید. رأی صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۴۹۵ و ۴۹۴: ۸۴/۱۱/۱۷ شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات:

**■ اجرای رأی داور علیه مؤسسه دولتی (درخصوص مورد سازمان غله کشور) بدون این که موضوع ارجاع به داوری مطابق ماده ۲۵۷ قانون آیین داوری دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی با تصویب هیأت وزیران صورت گرفته باشد تخلف است.**

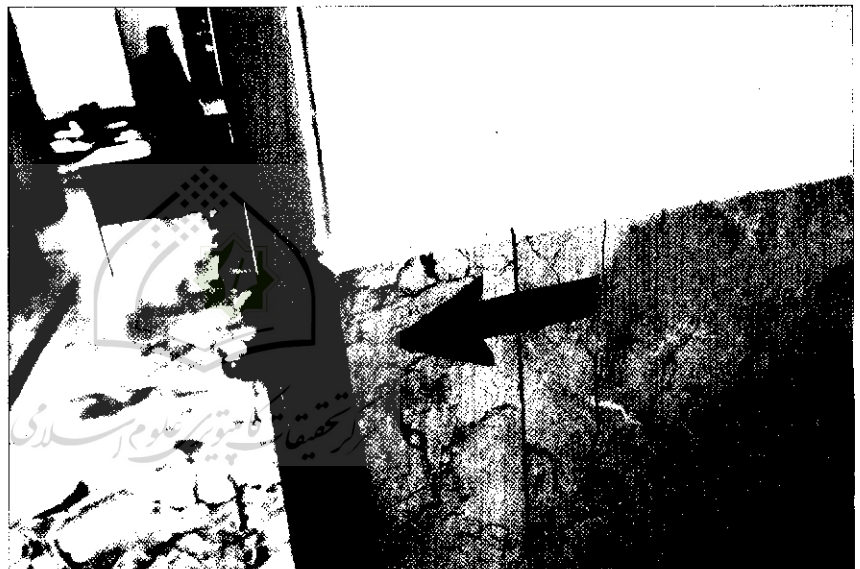
جریان امر: آقای... دادیار سابق انتظامی پس از ارجاع نامه شماره... سازمان بازرسی کل کشور

لکن از تاریخ ۵۵/۹/۲۳ به جهت عدم تحویل گندم دولتی مورد تعهد تا تاریخ ۵۶/۳/۱۰ معلق و اجرا نشده مانده است نتیجتاً موضوع به داوری ارجاع و وکلای شرکت تعاونی نانویان اعلام کرده اند که موکل آنها قرارداد را نقض نکرده بلکه علت اصلی نقض قرارداد قطع گندم از ناحیه سازمان غله کشور بوده است و هیأت داوران بایستی به جهت کشف حقیقت و تشخیص مقصر اصلی، سازمان غله کشور را به عنوان شخص ثالث در داوری جلب کند.

بر همین اساس سازمان غله کشور برای پاسخ گویی به عنوان شخص ثالث جلب شد نهایتاً رأی داوری صادر گردیده است به موجب این رأی چون علت اصلی اجرا نشدن قرارداد ۵۵/۲/۲ تحویل ندادن گندم دولتی به شرکت ایران ماه بوده است، سازمان غله کشور مسؤول پرداخت خسارات شناخته شده است و حکم به محکومیت مجلوب ثالث (سازمان غله کشور) به پرداخت مبالغی صادر شده و در مورد ادعای شرکت ایران ماه مبنی بر مطالبه خسارات مقرر شده است که موضوع از طریق دادگستری پی گیری شود ظاهراً به تقاضای شرکت ایران ماه وسیله آقای... رییس شعبه... دادگاه عمومی تهران اجرائیه صادر گردیده و در آن محکوم له شرکت ایران ماه و محکوم علیه سازمان غله کشور و محکوم به مندرجات رأی داور به انضمام خسارات از تاریخ سررسید دیون تا زمان وصول بز مینای شاخص سالانه بانک مرکزی قید شده است و شماره دادنامه ۳۳۱-۸۱/۳/۲۰

شعبه... درج شده در تاریخ ۸۲/۷/۳۰ وکیل شرکت ایران ماه به شعبه... دادگاه عمومی اعلام داشته با توجه به این که رأی داوری در ۸۱/۱/۲۴ صادر و در تاریخ ۸۱/۲/۱۵ به سازمان غله ابلاغ و اجرائیه صادر در تاریخ ۸۱/۱۱/۷ به سازمان غله ابلاغ گردیده است با در نظر گرفتن قانون نحوه وصول محکوم به دولتی و انقضای مهلت قانونی استدعای اجرای حکم را با برآورد خسارت تأخیر تادیه دارد.

آقای... دادرس شعبه... دادگاه عمومی تهران در زیر نامه مذکور مرقوم داشته است، «دفتر ثبت پیوست سابقه شود اجرائیه جهت اجرا به اجرای احکام با تصویری از تقاضای وکیل ارسال شود» در اجرای این دستور اجرائیه به اجرای احکام مجتمع قضایی شهید بهشتی ارسال گردیده است. در تاریخ ۸۲/۷/۲۰ آقای... در زیر نامه دیگری از وکیل شرکت ایران ماه نوشته است، دفتر نظر به این که این شعبه صرفاً رأی داور را به طرفین ابلاغ کرده است و پس از قطعیت دادنامه نسبت به صدور اجرائیه و کسر از آمار اقدام کرده است، مناط اعتبار دادنامه فقط رأی داوری بوده، مراتب عیناً به اجرای احکام اعلام شود با ارسال شاخص بهای کالا و خدمات از بانک مرکزی در تاریخ ۸۲/۸/۱ وسیله آقای... سرپرست اجرای احکام میزان هزینه



متضمن تصویرنامه های مدیر کل دفتر حقوقی سازمان غله کشور در ارتباط با نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه... دادگاه عمومی تهران و... اجرای احکام مجتمع قضایی شهید بهشتی به ایشان پس از مطالبه و ملاحظه پرونده های موضوع شکوائیه انتظامی ماحصل آنها را چنین گزارش کرده است: در تاریخ ۵۵/۲/۲ قراردادی بین کارخانجات ایران ماه و شرکت تعاونی نانویان تهران منعقد و کارخانجات ایران ماه متعهد شد روزانه ۴۰ تن آرد ستاره و ۶۰ تن آرد سبوس گرفته برای مصرف نانویای ها اختصاص دهد در بند ۲۴ قرارداد پیش بینی شده در صورت اختلاف بین طرفین قرارداد حل آن با حکمیت مرکب از نمایندگان تعاونی و کارخانه و یک نفر کارشناس رسمی به انتخاب رییس دادگستری معمول و نظریه اکثریت لازم الاجرا است.

طبق تصویر رأی داوری مورخ ۸۱/۱/۲۴ قرارداد منعقد تا تاریخ ۵۵/۹/۲۲ جریان داشته

به تشخیص انواع تقصیرات قضات گردیده است. کیفرخواست صادره به قاضی امر ابلاغ شد و از سوی مشارالیه لایحه دفاعیه ای به دادگاه تسلیم شده است که هنگام شور قرائت می گردد. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات تشکیل است و پس از قرائت گزارش امر و لایحه دفاعیه رسیده با کسب عقیده آقای... معاون و نماینده دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد تقاضاست) مشاوره کرده و به شرح آتی رأی صادر می کند:

عمل کرد قاضی مشتکی عنه انتظامی از حیث تجدید جلسه دادرسی ۸۳/۱۱/۶ بدون ذکر جهت قانونی به ترتیب منعکس در گزارش مینای کیفرخواست انتظامی تخلف است و دفاع مشارالیه در این زمینه مؤثر تشخیص داده نشد. بنابراین آقای... رییس شعبه... دادگاه عمومی تهران را بابت تخلف مزبور باستناد صدر

تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لوابیح دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قضات مشتکی عنهما مورد تقاضاست) و انجام مشاوره به شرح آتی رأی صادر می کند:

با توجه به این که سازمان غله کشور مؤسسه ای است دولتی که بر اساس قانون ایجاد و زیر نظر وزارت بازرگانی اداره می شود دستور آقای ... دادرسی وقت دادگاههای عمومی تهران درخصوص ارسال اجرائیه به اجرای احکام به منظور اجرای رأی داور علیه سازمان مذکور بدون این که موضوع ارجاع به داورری مطابق مقررات ماده ۴۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی با تصویب هیأت وزیران صورت گرفته باشد تخلف

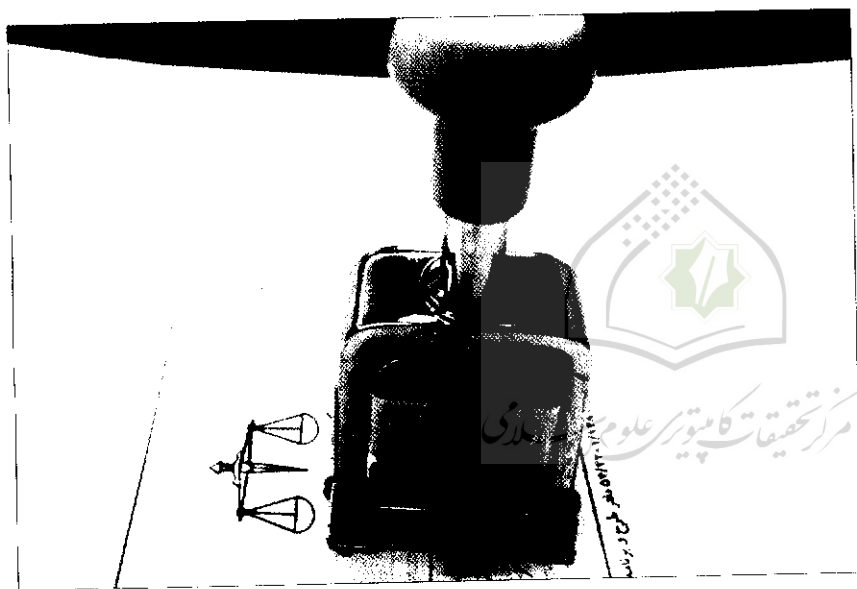
۱۷ میلیارد دیگر همچنان نزد شرکت ایران ماه و ... است و ...

آقای دادیار انتظامی در پایان گزارش چنین اظهارنظر کرده اند:

اولاً، صدور اجرائیه درباره رأی داورری که مربوط به محکومیت سازمان دولتی به عنوان شخص ثالث بوده و دستور وصول خسارت تأخیر تادیه وسیله آقای ... رییس شعبه ... مغایر مواد ۴۵۷ و ۴۹۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و تخلف است مشارالیه بازخرید شده است تعقیب انتظامی ایشان مستفی است. ثانیاً، دستور مورخ ۸۲/۷/۳۰ آقای ... دادرسی شعبه ... دادگاه عمومی تهران مبنی بر ارسال اجرائیه به اجرای احکام و به منظور اجرای رأی داور نیز اقدامی قانونی نبوده و تخلف محسوب می شود.

ثالثاً، با التفات به این که آقای ... در تاریخ

دادرسی و حق الوکاله از شعبه ... دادگاه عمومی تهران استعلام شده توضیح داده است که خسارت تأخیر تادیه به مبلغ ۵۷۶۵۷۱۰۵۷۶ ریال در این اجرا محاسبه شده است و آقای ... در پاسخ اعلام داشته است. حق الوکاله بر اساس آئین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر و کلای دادگستری محاسبه و پرداخت شود. آقای ... طی نامه شماره ۸۲/۸/۴-۱/۱۱۹۹۱/۸۲ حساب های دولتی دستور داده است مبلغ ۶۲۴۱۴۱۹۸۸۴۳ ریال از حساب سازمان غله کشور کسر و به صورت چک بانکی باین اجرا ارسال شود و شعبه حسابهای دولتی طی نامه شماره ۸۲/۸/۴-۷۴۶۷ به مجتمع قضایی اعلام کرده که مبلغ مزبور از حساب ۹۳۰۰۵ سازمان غله برداشت و توقیف گردید دستور فرمایید برگ اجرائیه را به این شعبه ارسال کنند مدیر دفتر اجرای احکام نیز برگ اجرائیه را ارسال کرده است در تاریخ ۸۲/۸/۵ شعبه حساب های دولتی به مجتمع قضایی شهید بهشتی نوشته است مبلغ ۶۲۴۱۴۱۹۸۸۴۳ ریال از حساب سازمان غله برداشت طی چک شماره ۸۶۱۰۹۶ به آن اجرا ارسال گردیده است. در تاریخ ۸۲/۸/۵ اصل چک تحویل ... وکیل شرکت ایران ماه شده است در تاریخ ۸۲/۹/۲۵ آقای ... معاون دادگستری تهران اعلام داشته است که به جهت رعایت نکردن قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم رعایت ماده ۴۵۷ آئین دادرسی مدنی اجرائیه خلاف قانون بوده مراتب سریعاً به شعبه جانشین اعلام شود و آقای ... سرپرست اجرای احکام در تاریخ ۸۲/۱۰/۱۵ مرقوم داشته این اجرا اقدامات صورت گرفته را باطل می داند لذا دفتر سریعاً پرونده به دادگاه صادر کننده اجرائیه ارسال تا در صورت پذیرش بطلان عملیات اجرائیه دستور اعاده عملیات اجرائی و استرداد مورد اجرا را صادر کنند آقای ... دادرسی شعبه ۳۷ در تاریخ ۱۰/۱۵/۸۲ نوشته است موارد یاد شده می بایست طبق دادخواست صورت گیرد والا می توانید طبق دستور معاون دادگستری اقدام کنید علی ای حال دادنامه ای به شماره ۱۰۲۳-۸۲/۱۰/۸ از طرف آقای ... دادرسی شعبه ... صادر شده که در آن خواهان سازمان غله کشور و خوانده شرکت ایران ماه درج و به موجب آن حکم بر بطلان رأی داور و آثار اجرائی آن صادر شده است. این رأی در پرونده ۸۳/۸۳/۱۵/۵۴۷ دادگاه تجدیدنظر استان مورد رسیدگی قرار گرفته و به موجب دادنامه ۵۷۰-۸۳/۶/۱۸ تأیید گردیده است اوراق دیگر پرونده مربوط به صدور قرار تأمین خواسته شماره ۷۷۴-۸۲/۸/۸ دادگاه عمومی تهران به نفع سازمان غله کشور و به طرفیت شرکت ایران ماه و استرداد مبالغی از وجوه پرداخت شده به شرکت ایران ماه است و در نهایت مدیر کل حقوقی سازمان غله طی نامه مورخ ۸۳/۷/۲ اعلام داشته مبالغی از وجوه مورد نظر عودت داده شده و



است همچنین دستور مورخ ۸۲/۸/۴ آقای ... دادرسی وقت دیگر دادگاههای مزبور مبنی بر بازداشت وجوه از حساب بانکی سازمان غله منعکس در گزارش مبنای کیفرخواستها بر خلاف مقررات موضوعه است و دفاع مشارالیهما دایر بر این که «سازمان غله کشور از حیث تعریف قابل انطباق با مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ نبوده و از شمول قانون محاسبات عمومی و دولتی بودن خارج است. مؤثر تشخیص داده نشد و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۲-۱۶/۸۳ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه که در لوابیح دفاعیه به آن تمسک کرده اند نیز دلالتی بر دولتی نبودن سازمان غله کشور نداشته و اقدام ایشان را توجیه نمی کند. بنا به مراتب هر یک از قاضیان نامبرده و با استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک دهم حقوق ماهیانه به مدت شش ماه محکوم می کند. این رأی قطعی است.

۸۲/۷/۲۰ مرقوم داشته است (شعبه صرفاً رأی داور را به طرفین ابلاغ و پس از قطعیت دادنامه نسبت به صدور اجرائیه و کسر از آمار اقدام کرده مناط اعتبار دادنامه فقط رأی داور بوده) و با توجه به این که تاریخ صدور اجرائیه ۸۱/۱۰/۲۹ بوده دستور مورخ ۸۲/۸/۴ آقای ... در مورد برداشت وجه از حساب های دولتی یا قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت منطبق و از این حیث مرتکب تخلف شده است بنابراین به استناد ماده ۲۰ نظام نامه عقیده به تعقیب انتظامی مشارالیهما دارم. سرانجام با نظریه فوق موافقت شده به شرح کیفرخواست های انتظامی شماره بالا و با استناد ماده ۲۰ نظام نامه تشخیص انواع تقصیرات قضات صدور حکم بر مجازات انتظامی قاضیان موصوف درخواست شده است. پس از ابلاغ کیفرخواستها از سوی ایشان لایحه دفاعیه واصل شده که هنگام شور قرائت می شود. اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات